

حج براءت

عنوان حج براءت عبارتی است که باید به عنوان یک تیتراژ مهم از آن یاد کنیم. به سوره مبارکه ممتحنه که حضرت آقا هم در بحث براءت به آن اشاره کرده اند مراجعه کنید. آیه چهارم سوره مبارکه ممتحنه و سوره مبارکه مریم صفحه ۳۰۵، سوره مبارکه کهف صفحه ۲۹۵.

در بحث براءت اینگونه بیان شده است که: **قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ** اسوه حسنه در ابراهیم و والذین معه هست. نکته ای در مورد همین والذین معه وجود دارد که هیچ پیغمبری به صورت انفرادی نمیرفته است وزارت کشور ثبت نام کند، بلکه همه پیامبران با والذین معه خود تعریف می شده اند. در واقع اگر والذین معه را از یک پیغمبری بگیرد او را ناقص تعریف کرده اید و کارکردهای او مشخص نیست. حتی اگر حضرت علی هم باشد بدون والذین معه کار از آب درست درنمیاید. یعنی حتی اگر ولی علی باشد، بدون والذین معه سقیفه را هم نمی تواند از آب دربیآورد.

تذکری که اینجا باید داد این است که باید از بعضی از کاندیداها در این انتخابات سوال کرد که والذین معه شما چه کسانی هستند؟ مثلا رییس بانک مرکزی کیست؟ وزیر آموزش پرورش کیست؟ وزیر امور خداجه کیست؟ رییس دولت کیست؟ رییس سازمان برنامه و بودجه کیست؟ در مورد چند پست کلیدی باید سوال پرسید که والذین معه آنها چه کسانی هستند. در بحث اقتصادی، در تئوری، نیز باید سوال پرسید.

پیغمبران را با والذین معه میشناختند. برای همین عبارت والذین معه در قرآن به وفور دیده میشود. یعنی قرآن هرچا پیغمبر را معرفی میکند با والذین معه هماهنگ می کند. این نکته ای کلیدی و کاربردی است که انسانها از کاندیداها بپرسند که والذین معه آنها کیستند؟ زرا ما آدمهایی داریم که خودشان انسانهای کننده ای هستند اما به دلیل والذین معه که دارند و اتفاقا انتخاب خودشان است، کلا به رنگ صورتی درمیآیند. زیرا والذین معه به آنها اینگونه القا میکند که تو برای اینکه جامع باشی و جمع کنی بیا و صورتی باش. البته این حرف اشتباه است زیرا برای جمع کردن باید خیلی شفاف بود و نباید به اینگونه جمع نمود. کما اینکه حاج قاسم اینگونه بود. یعنی جامع بود اما صورتی نبود. ولی برخی هستند که میخواهند جامع باشند اما صورتی بازی در میآورند به جای جامع بودن.

اذ قالوا لربهم یعنی اینان گفتند. یعنی براءت باید اعلان شود. **إِنَّا بُرءُوكُمْ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ** ما هم بری هستیم هم از شما و هم از منطق شما. گاهی ما از آمریکا اعلان براءت میکنیم اما تمام منطق و علمش رو گرفتیم. تمام منطق و سیاستش را در علوم اجتماعی و علوم اقتصادی و علوم سیاسیمان راه داده ایم. به این اعلان براءت گفته نمی شود. اعلان براءت هم از آن است و هم از منطق و فکر دشمن.

كَفَرْنَا بِكُمْ با به شما کافر هستیم. **وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلْعَادُوهُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ** خیلی عبارت عجیبی است. به شما کافریم و روشن می شود. بعضی فکر میکنند عداوت و بغضا نباید روشن و شفاف بشود و میگوید بیایید با جامعه جهانی بسازیم، این مسیر ابراهیم را طی نمیکنند. اتفاقا وقتی که شما اعلان براءت می کنی و به اصطلاح عموم شاخ بازی در میآوری میگویند این کار را نکنید. اما باید به اصطلاح شاخ بازی درآورد تا این عداوت و بغضا روشن بشود. براءت در منطق دین بسیار شفاف است. در آیات

دیگر هم خواهیم دید که خیلی شفاف است. البته این اعلان براءت نسبت به گنهکار نیست نسبت به امام کفر است. در واقع اعلان براءت است نسبت به کسانی که سرچشمه حیات را گرفته اند نه گنهکار.

حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ تا جایی که شما ایمان بیاورید به خدای به تنهایی. این عبارت خیلی زیبای قران است خدای به تنهایی. همان عبارتی است که پشت کامیونها نوشته اند only God فقط خدا. گاهی خدا هست به اضافه چیزهایی که انسان از فکر خودش، از هوای نفس خودش، از علوی که از هوای نفس خودم درست شده و چیزهای دیگر. اینها همه با یکدیگر جمع میکنیم و به عنوان پذیرش حرف خدا جا میزنیم. این عبارت را قران میگوید خدا بهلاوه چیزهای دیگر. این عبارت در چند جای قران آمده است. برخی چون علاقه مندند که همه چیز را جمع بکنند خدا را هم با چیزهای بد (زهرماری) جمع میکنند. خدای به تنهایی طبق منطق آنها چیز عجیبی درمیآید.

والذین معه هم به لحاظ زمانی است و هم به جهت روحی. آنهايي که همراه با حضرت ابراهیم هستند در هر کجایی که باشند به جهت روحی باید والذین معه داشته باشند. نداشته باشند کار درنمیآید. البته ممکن هم هست که نداشته باشند ولی نداشته باشند هم لطمه ای به آیه نمیزند. میخواهد بگوید با والذین معه کار ابراهیم پیش نمیرود. قران اصرار دارد به والذین معه حتی اگر ابراهیم تنها باشد. مثل پیغمبر و وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ .

سوره مبارکه اسرا آیه ۴۵ و ۴۶ : وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا. وقتی که تو قران را قرائت میکنی بین تو و بین و غیرمومنین به آخرت یک حجابی ایجاد میشود که دیدنی نیست. یعنی فاصله می افتد. بی فواصلی میافتد که خود این حجاب را کسی نمیتواند ببیند ولی ایجاد شده است. توضیح این حجاب به این شکل است: وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا ما بر دلهاشون پوششهایی گذاشته ایم که آنها نفهمند. وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا گوشه‌ایشان هم سنگین است نمیشوند. این بحث بحث مریضی نیست.

إِذَا ذُكِرَتْ رَبِّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ إِذَا ذُكِرَتْ رَبِّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوْ عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا آنجا که گفت فاصله می افتد. میگوید وقتی تو ربت را یعنی پروردگارت را در قرآن وحده معرفی کنی یعنی فقط خدا، وَلَوْ عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا یعنی این افراد به حالت فرار برمیگردند. یعنی از این حالت فرار میکنند. میخواهم تاکید کنم که وحده باید عامل براءت شود. در سوره مبارکه زمر آیه ۴۵ میفرماید: وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَذِكْرُ اللَّهِ وَحْدَهُ إِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ولی من دونه همراه باشد خوشحال می شوند. یعنی اگر بتوان وجه الجمع بین دنیا و آخرت، وجه الجمع بین آمریکا و ایران را پیدا کرد. بعضی به دنبال این وجه الجمعها هستند.

پذیرش وحده سنگین و سخت است. چرا سخت است؟ زیرا خدا بیاید همه چیز را بای کنار گذاشت. نمیتوان گفت خا به اضافه ایده های خودم. سوره مبارکه غافر آیه ۱۲ ذخیلی در معنایش این مساله مشخص است: ذَلِكُمْ بَأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ این جهنمی که می روید به خاطر این است که. إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ زیرا زمانی که به سمت خدا به تنهایی دعوت شدید کافر شدید وَإِنْ يُشْرِكْ بِهِ تُوْمِنُوا و اگر برای او شریک قائل شوید برمیگردید. یعنی اگر زهرماری با اینها مخلوط شود از نظر آنها درست هم هست. طوری باشد که دنیا و آخرت، آمریکا و ایران باهم جمع شوند. به یک صلح جهانی دست پیدا کنیم. برخی دنبال چنین معانی ای هستند. گفتگوی تمدنها بکنیم. تمدنها با هم حرف بزنند. البته منظورشان از تمدنها خیلی وقتها همین حکام ظالم عالم است. یعنی با منطق استعماریشان بنشینیم حرف بزنیم و به جمع بندی برسیم. این همان چیزی است که اسمش را گفتگوی تمدنها گذاشته اند. اینگونه

شعارها خوراک این دنیاست. کسی که از این شعارها می‌دهد یک پاس گل محکم به طرف مقابل داده است. پس وحده مهم است. در سوره مبارکه ممتحنه **وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلْعَادُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ** در اینجا بد به معنای در مقابل خوب نیست. تا اینکه شما همه زیر بال و پر خدا بیاید نه زیر بال و پر من.

در برائت به این نکته توجه کنید که برائت هم نسبت به فرد است و هم نسبت به منطق. در سوره مبارکه مریم آیه ۴۸: **وَأَعْتَزَلْتُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا** و من نسبت به شما و نسبت به منطقتان اعتزال کردم. **وَأَدْعُوا رَبِّي** حالا دعا میکنم. یعنی من ابراهیم اگر بخواهم دعا کنم با توجه به دو نوع اعتزال دعا میکنم. این چیرها را کنار میگذارم و دعا میکنم **عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا**

فَلَمَّا أَعْتَزَلْتُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وقتی که هم از آنها و هم از منطقتان کناره گرفت، ما به او توحید و عقبه توحیدی دادیم. بر اساس برائت به او یار دادیم. وقتی که برائت و آن گوهای برتر و آرمانها و قله ها گفته می شود فرد یار پیدا میکند. عقبه های توحیدی خود را آن زمان پیدا میکند. برای همین است که در عبارت سوره مبارکه کهف آیه ۱۶ **وَإِذْ أَعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ** وقتی که مومنین از کافران و منطقتان اعتزال کردند، وقتی این اعتزال و کناره گیری انجام شد، **فَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ** پیش امام بروید. کهف الورا همین ها هستند. یعنی آنجاست که **فَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِّنْ رَّحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِّنْ أَمْرِكُمْ مَّرْفَقًا**. در غار این اتفاق میافتد که **يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِّنْ رَّحْمَتِهِ** خدا از رحمتش به شما در غار می دهد. چه زمانی میتوانید بروید پناهنده به غار شوید؟ وقتیکه همه داشته قبلیتان را کنار بگذارید. این داشته ها را کنار بگذارید وارد غار میشوید. در غار امام و کهف الورا.

يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِّنْ رَّحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِّنْ أَمْرِكُمْ مَّرْفَقًا و همه وسایل آرامستان در اینجا فراهم میشود. در کجا در غار. این همان کهف الورایی است که امنیت واتخذوا (؟ دقیقه ۲۲) این تعبیر کهف الورا تعبیر ذوقی نیست. شما حتی اگر اکتان را در قرآن نگاه کنید که به معنای غار است اینجا را در مسیر اتمام نعمت گذاشته اند. در مسیر تقوا و ولایت گذاشته اند. یعنی انسان برود به یک جایی پناهنده بشود که آنجایی که پناهنده شده **تَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ** به نظر میآید که اینها جشمانشان باز است و بیدارند اما خوابند. یعنی اینجا نسبت به آنچه که به معادلات دنیاست خوابیده اند در حالیکه همه فکر میکنند که اینها بیدارند.

اصحاب کهف خودشان به همدیگر این را میگویند که **أَعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ** باهم دیگر به غار برویم. ما از امامان کفر بریده ایم از منطقتان هم بریده ایم پس الان باید به غار برویم. اینگونه به عقبه توحیدی میرسد. اعتزال و برائت گفتی و شفاف.

سوره مبارکه یونس آیه ۴۰ و ۴۱ **وَمِنْهُمْ مَّنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَّنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ** گروهی از مردم به قرآن ایمان میاورند و منهم لا یومن به عده ای هستند ایمان نمی آورند. **وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ** * **وَإِنْ كَذَّبُوكَ** اگر تو را انکارت کردند، مهم نیست **فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلكُمْ عَمَلِكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ** اگر تکذیب کردند این را بگو. در برائت شفاف باش. عمل من برای من و عمل شما برای خودتان من نسبت به اعمالی که شما انجام میدید بیزارم و شما نسبت به اعمال من. نسبت به عملتان نسبت به منطقتان نسبت به عملتان نسبت به همه اینها اعتزال میکنم و بیزارم. در این زمان به سراغ علم اهل بیت میروم. و اتفاقا این شفافیها /ادم درست میکنند. مثل همان سوره کافرون که گفتم. این برای خودش امدادها و آدم های خودش را میاورد. این نکته ای است که در برائت باید به آن توجه کنید.

یک نکته دیگر هم هست بحث نسبت حج با امام است. آیات معروف سوره مبارکه حج از آیه ۲۶ **وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا** ما این جایگاه بیت را برای ابراهیم آمده ایم که چکار بکند؟ **أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا** که هیچ چیزی را شریک من قرار ندهد. من صاحب اصلی تو بشوم. این خانه خانه من بشود. **وَوَظَّهَرُ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ**. در این خانه طهارت ایجاد کند نه اینکه آبکش کند. این خانه را مرکز تغذیه معنوی و کارکردی تمام عالم که ام القراست، آنجا را از شرک و کفر پاک کند. از تمام منطقهای دیگر پاک کند برای **لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ** رکوع کنندگان و سجده کنندگان. بعد از اینکه این کار انجام شد **وَأَذَّنَ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ** در میان مردم اعلان حج کن.

حضرت ابراهیم گفت چگونه در این بیابان اعلام حج کنم؟ گفته شد عليك الاذان وعلينا البلاغ تو دادت را بزن، این مهم است، ابلاغش با من. خیال نکن که همه پروژه را باید خودت انجام بدهی. حالا چکار کنند؟ **بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ** به سوی توی ابراهیم بیایند **رِجَالًا** به صورت پیاده **عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ** سوار بر شترهای چالاک، یعنی آهسته یا سریع **يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ** به هروسيله ای که دارند خودشان را به تو برسانند. **لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ** تا منافع آن را ببینند. حج آنقدر منافع دارد برای مردم مشاهده کنند و بفهمند که حج جایگاهی است که در آن دارد منافع ایجاد میشود. آیه ۹۷ **مَائِدَةَ جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْغُرَبَاءِ قِيَمًا لِلنَّاسِ** این خانه مجمع عمومی سازمان ملل است. **قِيَمًا لِلنَّاسِ** است محل قوام عالم این نقطه است. **وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ** و تمام مناسک آن **وَالْهَدْيَ** و قربانیهای بی نشان **وَالْقَلْبَئِدَ** قربانی های نشان دار، زمانی که در این حج وارد میشوید **ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ** این بخاطر این است که تو بفهمی که خدا میداند، همه عالم را خدا میداند. همه عالم را اینجا جمع میکند، امام اینجا میآورد که تو بدانی خدا از همه عالم باخبر است. خدا به هرچیزی علیم است و هرکاری که بخواهد میکند. یک مناسک با چشک به هم زدنی درست میکند. این حج با این عظمت را میگذارد که شما بدانید او همه چیز میداند و همه کار میتواند. در حقیقت این قدرتمایی خدا در حج است با حضور امام.

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ آن موقع آلودگیهای خودشان را در گپیش امام بزدایند. این آلودگی گرفتن ناخن نیست اصلا سطح بحث این نیست هرچند روایتی با این مضمون هم ذیل آن آمده است. **وَلْيُؤْفُوا نَذْرَهُمْ** عهدش را با امام تجدید کند. یعنی برود پیش امام نه اینکه برود مقام ابراهیم ناخنهاش را بگیرد. برود پیش امام عهد و نذرش را تثبیت کند. **وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ** و آن مان دور آن خانه عتیق نه خانه کهنه خانه عتیقه و قیمتی که از زمان حضرت آدم خانه است. این بنا کهنه نیست عتیقه است. این قدیمی است زیرا بر طبق فطرت عالم و آدم پروانه وار دور این خانه که امام در آن است، دور چنین خانه ای که ابراهیم در آن است، بچرخ. بچرخ یعنی طواف عاشقانه. یعنی چرخش پروانه وار. در اینجا برخی ترجمه میکنند خانه کهن این عبارت خیلی مقصود شاید نباشد.

آیه ۳۷ سوره ابراهیم **رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ** این آیه میگوید که حضرت ابراهیم که مظهر برائت است مظهر محبت است. یعنی این برائت از سر خشونت و گرگ صفتی و سبوتیت درنیامده است. اگر این باشد میشود داعشی. بلکه از سر رحمت و محبت و شفقت درآمده است. برای همین در آیات متعددی ابراهیم و عیسی که اتفاقاً عیسی هم اهل لعن است **لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ** را مظهر محبت حلوه داده است. وقتی که میگوید **فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى يُجْدِلْنَا فِي قَوْمٍ لُّوطٍ** زمانی که فرشتگان برای عذاب قوم لوط آمده بودند، خداوند میگوید ابراهیم با ما مجادله کرد و خواست که آنها عذاب نشوند. خدا هم میپسندد میفرماید: **إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ** ابراهیم حلیم بود او اب بود منیب بود. ابراهیم خیلی اهل رحمت و شفقت بود. از همین عنصر برائت بیرون میآید. نه اینکه یک آدم خشن و وحشی اهل برائت باشد.

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ خدایا من ذریه ام را در یک وادی غیرذی زرع و لم یزرع یعنی نه کاشته اند و نمیشود در آن کاشت گذاشته ام عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ در نزد خانه با احترام تو. رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ برای اینکه اقامه نماز کنند. دو نکته اینجاست: نکته اول اینکه اگر اقامه نماز و معنویت قرار است باشد با همه تجلات عالم نمیشود. در محیطهای بی تحمل و بی تکلف دنیوی میشود اخروی زندگی کرد. کسیکه زندگی دیگری برای خودش فراهم کند نتیجه دیگری میگیرد. این باید در زندگیهای معمولی دربیاید. ضمن اینکه رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ من میخواهم نماز اقامه کنم. چگونه؟ این نماز خواندن نیست، نماز اقامه کردن است. فاجعل اگر قرار است نماز اقامه شود فَاجْعَلْ أَفْعِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ اقامه نماز به اقامه امامت است. هوا و هوس و اشتیاق را به سمت امام قرار دهند. در روایت تاکید شده که این تهوی الی البیت نیست، تهوی الیهیم. یعنی تهوی به سمت آن ذریه و ائمه میگویند ما آن ذریه ایم.

وَأَرْزُقُهُمْ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ در این زمان تهوی الیهیم و ارزقهم پس اینها باعث شکر میشود. پس اینکه در روایت دارد که تمام الحج لقاء الامام یعنی تمام حج به لقاء امام است، نکته جدی این بحث است. لذا تحقق اقامه نماز و مسجد و مسجدالحرام و ام القری با امام انجام میشود.